

بیشتر نواحی  
پشتون نشین  
عملاً با طالبان  
همراهی می‌کردند  
و امریکایی‌ها  
رامهاجمان  
کافر و دولت را  
دست نشانده  
می‌دانستند

محل خدمت خود را ترک کردند؛ چون کشاورزان برای برداشت خشخاش، به آنها پاداشی ۵ برابر نرخ دولتی برای نابود کردن خشخاش می‌دادند؛ به همین دلیل تعداد آنها از ۵۰۰ نفر به ۱۰۰ نفر کاهش پیدا کرد. دوماً، خشم کشاورزان از امریکایی‌ها بیشتر شد و آنها برای ممانعت از عملیات ریشه کن کردن این خشخاش‌ها، بمب‌های دست‌ساز و تله انفجاری در کنار مزارع خود کار گذاشتند یا بخش‌هایی از مزارع خود را زیر آب بردند تا تراکتورها در گل گیر کنند. سوماً، مشخص شد بخش اعظم درآمد مخدر را متحدان امریکا به جیب می‌زنند و با این عملیات، رقبای خود را مجازات کردند. این مسأله امریکایی‌ها را بسیار تحقیر کرد.

در تلگراف ۳ می رونالد نویمان سفیر امریکا، مشخص شد کمر بند اصلی خشخاش همچنان سالم باقی مانده، چون آن زمین‌ها برای رهبران قبایل قدرتمند و متنفذین افغان است و آنها به پلیس افغانستان رشوه‌های سنگین دادند تا زمین‌شان سالم بماند. در نتیجه چه کسی متضرر شد؟ کشاورزان فقیری که بی‌بضاعت و بی‌کس و کار بودند. این مسأله برای امریکا دشمنی جدیدی درست کرد. قبل از فصل کشت، بسیاری از کشاورزان با قاچاقچیان قرارداد امضا کرده بودند که مقدار معینی از تریاک را در پایان فصل به آنها بدهند و با این وضعیت آنها تحت فشار بودند. حالا دیگر مجبور می‌شدند به شورشیان بپیوندند و اسلحه به دست بگیرند. بعد از این ماجرا هلمند منفجر شد و عملیات‌های شورشی شروع شد.

بعد از ناموفق بودن عملیات نابودسازی مزارع، ایده جدید برخی مقامات و کنگره، سمپاشی هوایی مزارع با علف‌کش‌ها بود که قبلاً برای مزارع کوکائین کلمبیا اجرا شده بود و طرح کلمبیا نام داشت. منتها مقامات ارتش در اجرای آن تردید داشتند. دولت کرزی هم با آن مخالف بود، چون فکر می‌کرد اولاً ممکن است آب و منابع غذایی افغانستان مسموم شود و دوماً، اقتصاد ملی افغانستان از بین می‌رود و روستاییان علیه دولت شورش می‌کنند.

راهکار نویمان سفیر امریکا این بود که بقیه را قانع کند مبارزه با مواد مخدر در افغانستان مسأله‌ای بلندمدت است و نیاز به اصلاح اقتصاد روستایی افغانستان دارد. در سال ۲۰۰۷ سفیر تغییر کرد و ویلیام وود که دیپلمات ارشد امریکا در کلمبیا و موافق سرسخت سمپاشی مزارع خشخاش بود، به سفارت امریکا در افغانستان برگزیده شد. او تلاش بسیاری برای تحت فشار قرار دادن کرزی به انجام عملیات سمپاشی داشت ولی کرزی، حتی بعد از دریافت درخواست شخصی بوش، با این کار مخالفت کرد.

## ● بخش چهارم؛ پرده‌برداری از اواما (۲۰۰۹-۲۰۱۰)

### فصل دوازدهم دو برابر کردن

اواما در سال ۲۰۰۸ و پس از وعده پایان دادن به جنگ منفور عراق و توجه بیشتر به افغانستان، در انتخابات پیروز شد. او پس از روی کار آمدن، گیتس را به عنوان رئیس پنتاگون ابقا کرد و نشان داد به طرح بوش برای مهار شورش و تقویت دولت افغانستان پایبند است. اما پس از آنکه پترائوس فرمانده نیروهای امریکایی در عراق، به ریاست فرماندهی مرکزی امریکا ارتقا پیدا کرد، ژنرال مک کریستال را به عنوان فرمانده جنگ در افغانستان پیشنهاد کرد. آنها را هبرد ضد شورشی رادر عراق پیاده کرده بودند و حالا در حال برنامه‌ریزی برای پیاده‌سازی آن در افغانستان بودند. مک کریستال در طرح خود، ۶۰ هزار نیروی دیگر و تزریق گسترده کمک برای تشکیل دولت و گسترش ارتش و پلیس افغانستان را درخواست کرد.